

تعاون و کشاورزی، سال پنجم، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۹۵

تحلیل موانع توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌های کشاورزی با استفاده از رویکرد تئوری بنیانی

احسان خسروی^۱، سعید غلامرضایی^{۲*}، مهدی رحیمیان^۳، مرتضی اکبری^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۲۸

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل موانع توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌های کشاورزی استان کرمانشاه با استفاده از روش تئوری بنیانی انجام گرفت. جامعه مورد مطالعه را کارشناسان اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان کرمانشاه و کارشناسان جهاد کشاورزی شهرستان کرمانشاه به تعداد ۱۷ نفر تشکیل دادند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان مهم‌ترین موانع توسعه کارآفرینی سازمانی عبارت‌اند: حمایتی- پشتیبانی (عدم حمایت و پشتیبانی اعضای هیئت‌مدیره و به‌خصوص مدیرعامل از اقدامات کارآفرینانه) و موانع اقتصادی- مالی (درآمد پایین، نقدینگی پایین تعاونی و ...). بنابر نتایج تحقیق، اعطای تسهیلات مالی جهت تقویت صادرات، حمایت بانک‌ها و سایر مؤسسات مالی، کاهش بهره‌های بانکی، اعطای معافیت‌های مالیاتی برای شرکت‌های تازه‌تأسیس و آموزش اصول و مهارت‌های کارآفرینی پیشنهاد شدند.

واژه‌های کلیدی: تعاونی کشاورزی، کارآفرینی سازمانی، موانع، نظریه بنیانی (زمینه‌ای)

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشگاه لرستان

۲. استادیار گروه اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی، دانشگاه لرستان

E-mail: sgholamrezai1970@gmail.com

* نویسنده مسئول

۳. استادیار گروه اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی، دانشگاه لرستان

۴. استادیار گروه کسب و کار جدید، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران

مقدمه

امروزه در بین راهبردهای دستیابی به توسعه، مبحث توسعه کارآفرینی سازمانی بخش جدایی‌ناپذیر و کلیدی مباحث توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه می‌باشد (پورآتشی، ۱۳۸۷). کارآفرینی سازمانی می‌تواند رشد و نوآوری را در یک سازمان سنتی بهبود بخشد. امروزه بسیاری از سازمان‌های بزرگ، از کارآفرینی سازمانی به عنوان روشی برای کسب مزیت رقابتی در بلند مدت، استفاده می‌کنند (کاظمی و همکاران، ۱۳۹۰). با این حال، توسعه کارآمد کارآفرینی سازمانی نیازمند شناسایی ساختارهای مناسب و راهکارهای مؤثری می‌باشد. در این میان، تأسیس و فعال نمودن تعاونی‌ها و توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه در آنها راه‌حل مناسبی در راستای توسعه فعالیت‌های کارآفرینی محسوب می‌شود (رضایی، ۱۳۹۳). تعاون به مفهوم خاص آن، به نوع مشخصی از کارکردن با یکدیگر اشاره دارد که از طریق تشکیل سازمان رسمی و به کارگیری روش‌های مدیریتی خاص، دسترسی به اهداف مشترک را امکان‌پذیر می‌سازد (بیرانوند، ۱۳۹۱). تجربه کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد تعاونی‌ها بهترین سازمان‌هایی هستند که موفق شده‌اند اسباب تجمع نیروهای پراکنده و متفرق و در عین حال با استعداد و با انگیزه را فراهم سازند (لطیفیان، ۱۳۸۶).

با وجود اهمیت کارآفرینی سازمانی و حرکت فزاینده بنگاه‌ها و سازمان‌های مختلف به سمت توسعه آن، به دلیل تعدد متغیرهای تأثیرگذار، توسعه این شکل از کارآفرینی فرایند تقریباً دشوار و پیچیده‌ای است و در عمل با موانع گوناگونی در ابعاد مختلف مواجه است (Moghimi, 2007). این مسئله موجب شده است تا کارآفرینی سازمانی در کشورهای مختلف، به ویژه کشورهای در حال توسعه همچون ایران با اقتصاد سنتی و مبتنی بر منابع، در وضعیت نامناسبی قرار بگیرد و توسعه چندانی پیدا نکند. در این زمینه، بر اساس گزارش دفتر دیده‌بان جهانی کارآفرینی^۱ در سال ۲۰۱۱، میزان شاخص کارآفرینی سازمانی در ایران، مشابه کشورهای همچون بنگلادش، پاکستان و جامائیکا، کمتر از یک درصد بوده در حالی که مقدار این شاخص برای کشورهای توسعه‌یافته مانند

1. GEM: Global Entrepreneurship Monitor

سوئد، دانمارک، بلژیک، فنلاند و ایالات متحده بین ۶ الی ۱۴ درصد متغیر بوده است (Kelley et al., 2012,24).

اگر چه در چند دهه اخیر از ضرورت و اهمیت کارآفرینی سازمانی در سازمان‌ها، درک صحیح و درستی به وجود آمده است، اما هنوز هم بسیاری از سازمان‌ها و به خصوص تعاونی‌ها، از چالش‌ها و موانع توسعه کارآفرینی رنج می‌برند. از طرف دیگر، پدیده کارآفرینی سازمانی یکی از بنیادی‌ترین موضوعات در مطالعه و بررسی عدم موفقیت سازمان‌ها و به خصوص در تعاونی‌ها، در سراسر جهان است. با توجه به حساسیت این موضوع، یعنی اعمال «توسعه کارآفرینی سازمانی» به عنوان عامل غالب در موفقیت شرکت‌های تعاونی در استان کرمانشاه و از سوی دیگر سردرگمی در شناسایی و تحلیل موانع توسعه کارآفرینی سازمانی و تلاش برای رفع این موانع، ضرورت مطالعه‌ای برای توسعه کارآفرینی سازمانی در شرکت‌های تعاونی در سطح استان کرمانشاه و تلاش برای فعالیت پایدار شرکت‌های تعاونی استان بیشتر مشخص می‌شود. بنابر مطالب گفته شده، هدف از این پژوهش به طور عام، تحلیل موانع توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌های کشاورزی می‌باشد.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

تحقیقات مختلف (Kellermanns et al., 2008; Zahra, 2005; Zahra et al., 2004; Habbershon & Pistrui, 2002) مؤید اثر مثبت کارآفرینی سازمانی بر بقا، سودآوری و رشد بنگاه‌های مربوطه‌اند. کارآفرینی سازمانی به بنگاه این امکان را می‌دهد که از مزیت رقابتی فعلی خود بهره‌برداری کند و هم‌زمان فرصت‌های جدیدی را شناسایی نماید و شایستگی‌های جدیدی را در خود شکوفا سازد (Covin & Miles, 1999; Kuratko et al., 2005). با افزایش تحولات محیطی، ضرورت کارآفرینی سازمانی برای شرکت‌ها بیشتر و انجام فعالیت‌های کارآفرینانه موجب بهبود عملکرد آنها می‌شود (Kuratko et al., 2001). از این رو، با توجه به تحولات مستمر در محیط اغلب کسب و کارها، توسعه کارآفرینی سازمانی عامل اصلی در موفقیت بلندمدت بنگاه‌ها به

حساب می‌آید (Rauch et al., 2009). طراحی ساختار و سیستم‌های سازمانی که از کارآفرینی حمایت کند، تأمین منابع مورد نیاز برای تشخیص و بهره‌برداری از فرصت‌ها از جمله نیروی انسانی و فناوری، و توسعه فرهنگ کارآفرینانه در سازمان از مهم‌ترین اقداماتی هستند که در راستای توانمندسازی سازمان برای کارآفرینی باید انجام شوند (Morris et al., 2011; Kuratko et al., 2005; Covin & Slevan, 2002; Hornsby et al., 2002; Hornsby et al., 1999). جانسون و همکاران (Johnson et al., 2006) در تحقیقی در کشور نروژ در زمینه تبیین عوامل مؤثر بر کارآفرینی سازمانی، به عوامل حمایت مدیریت، استقلال کارکنان، وضعیت سرمایه اجتماعی در سازمان، سرمایه انسانی (افرادی که برای انجام وظایف صلاحیت دارند)، مفاهیم سازمانی، زمان در دسترس و فرهنگ سازمانی اشاره داشته‌اند.

در زمینه تحلیل موانع توسعه کارآفرینی سازمانی، به خصوص در تعاونی‌ها، تحقیقاتی نیز در ایران انجام شده است. برای مثال رضایی (۱۳۹۳) در تحقیقی بیشتر بر حمایت‌های مالی، قانونی، آموزشی، مشاوره‌ای و اطلاع رسانی تأکید کرد. رضایی و حسینی (۱۳۹۲) در تحقیقی نشان دادند که چهار عامل فرهنگ سازمانی، ساختار سازمانی و محیطی، و بهبود مهارت‌های کارآفرینانه اعضا اثر مثبت و معنی داری بر متغیر وابسته (کارآفرینی سازمانی) دارند. طالب‌پور و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیقی تحت عنوان "ارائه مدل رگرسیونی جو سازمانی و کارآفرینی سازمانی دانشکده‌های تربیت بدنی ایران" و همچنین حق‌شناس و همکاران (۱۳۸۶) در تحقیقی تحت عنوان "الگوی کارآفرینی سازمانی در بخش دولتی ایران" بیان کردند که عوامل متعددی می‌توانند در درون و بیرون سازمان باعث ارتقا یا مانع توسعه کارآفرینی شوند که عوامل درون سازمانی (که مدیریت بر روی آنها کنترل دارد و به رفتار کارآفرینانه کمک می‌کنند) را شامل حمایت مدیریت، آزادی عمل و استقلال کاری، پاداش، تقویت، دسترسی زمانی و مرزهای سازمانی، ساختار سازمانی، فرهنگ سازمانی، نظام کنترل و نظارت، نظام ارتباطات، نظام پرداخت حقوق و دستمزد می‌دانند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از پارادایم کیفی بهره جسته و با رویکردی اکتشافی (شناسایی و تحلیل موانع توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌ها) انجام گرفت. برای گردآوری اطلاعات از مصاحبه عمیق استفاده شد. جامعه تحقیق را ۱۷ نفر از کارشناسان اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان کرمانشاه (۷ نفر) و کارشناسان مطلع کلیدی^۱ ادارات مختلف مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان کرمانشاه (۱۰ نفر) تشکیل دادند. برای انتخاب مصاحبه شونده‌گان از نمونه گیری هدفمند از نوع زنجیره‌ای^۲ و در مواردی، منحصر به فرد^۳ استفاده شد. انتخاب نمونه‌ها تا وقتی ادامه داشت که داده جدیدی جمع نشد و به عبارتی، معیار رسیدن به مرحله اشباع نظری، عدم رسیدن به داده جدید در نمونه‌های جدید بود. گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق^۴ صورت گرفت. تمام مصاحبه‌ها ضبط و دست‌نویس شد و به تأیید مشارکت‌کنندگان رسید. در نهایت، تحلیل داده‌های مذکور در غالب کدگذاری متداول (باز^۵، محوری^۶ و انتخابی^۷) تئوری بنیانی انجام گرفت. اعتبارپذیری و اطمینان‌پذیری نتایج تحقیق از طریق تکنیک‌های کنترل اعضا و تکنیک‌های مثلث‌سازی حاصل شد. در این تحقیق، هدف استفاده از تئوری بنیانی به کارگیری یک روش تحقیق نبود که به ارائه یک نظریه منجر شود، بلکه هدف، به کارگیری یک روش تحلیل داده بود که به دسته‌بندی و کدگذاری اطلاعات بینجامد. تحلیل داده‌ها با فرایندی منظم و در عین حال مداوم از مقایسه داده‌ها صورت گرفت. فن اصلی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در این روش کدگذاری بود که طی فرایندی سه‌مرحله‌ای شامل: ۱. کدگذاری باز، ۲. کدگذاری محوری و ۳. کدگذاری انتخابی صورت گرفت. در این فرایند سه‌مرحله‌ای و غیرخطی، ابتدا داده‌های جمع‌آوری شده دسته‌بندی و به هر

1. Key Informant
2. Chain Sampling
3. Unique Sampling
4. Deep Interview
5. Open Coding
6. Axial Coding
7. Selective Coding

دسته عنوان مناسب داده می‌شود و سپس از دل آنها مفاهیم^۱ و مقولات^۲ استخراج و از این رهگذر خوشه‌های مفهومی تشکیل می‌گردد که هر یک به مقولاتی تعلق دارند و سرانجام از ارتباط این مقولات است که شالوده‌ای سامان می‌یابد و مدل مورد نظر برای توضیح یک پدیده خلق می‌شود (رستمی و همکاران، ۱۳۹۳). به طور کلی، روند تحلیل در قالب شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱. جریان تقلیل داده‌ها در سه مرحله کدگذاری

1. Concept
2. Category

نتایج و بحث

شرایط علی مربوط به پدیده موانع کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌ها

۱. مشکلات حمایتی - پشتیبانی

عدم حمایت و پشتیبانی اعضای هیئت‌مدیره و به‌خصوص مدیرعامل از اقدامات کارآفرینانه" از جمله عواملی بود که به زعم پاسخگویان، عامل اصلی مؤثر در بروز پدیده عدم توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌ها محسوب می‌شد. مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند چون وجود یک فرد خلاق و کارآفرین در یک سیستم سازمانی، که در آن سرنوشت انتخاب مدیرعامل در دست خود اعضاست، سبب به وجود آمدن یک رقیب برای مدیرعامل در انتخابات بعدی می‌شود. پس مدیرعامل به دنبال جلوگیری از مطرح شدن فردی خلاق و کارآفرین در یک تعاونی می‌باشد. همچنین کارشناسان بیان داشتند موانع حمایتی - پشتیبانی در دراز مدت سبب دلسرد شدن افراد خلاق و کارآفرین و در نهایت مانعی اصلی و بزرگ در راستای توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌ها می‌گردد؛ چرا که باید یک سری حمایت‌های مادی و معنوی وجود داشته باشد تا پتانسیل افراد - به ویژه در امر خلاقیت و نوآوری - شکوفا شود. در این زمینه می‌توان گفت که مدیران سطح عالی و میانی وظیفه دارند تا این افراد را در وهله نخست شناسایی، سپس از طریق اعمال انگیزش‌ها و حمایت‌های مادی و معنوی زمینه ساز بروز و شکوفایی خلاقیت و نوآوری در آنها شود.

به طور کلی، موانع حمایتی - پشتیبانی به ترتیب اولویت شامل موارد زیر است: نبود انگیزه و ایجاد آن در افراد جهت اقدام به فعالیت‌های کارآفرینانه از سوی مدیران، عدم استقبال و ارج نهادن به ایده‌های جدید، نبود سیستم پاداش‌دهی مناسب، فرصت ندادن به افراد جهت اجرا و عملیاتی نمودن ایده‌ها، برخوردهای ناصحیح (تمسخر و...) در ارائه ایده‌ها، عدم مشورت مدیر با اعضا در مشکلات و درخواست راه حل از آنها، و عدم حمایت مدیر از کارآفرینان شکست‌خورده.

۲. موانع اقتصادی - مالی

موانع اقتصادی - مالی شامل موارد زیر است: دریافت وام و دیرکرد در بازپرداخت تسهیلات بانکی و مشکل تأمین جبران سهم آورده، درآمد پایین، نقدینگی پایین تعاونی، بی ثباتی بازار، بالا بودن مبلغ اقساط وام‌ها، بالا بودن قیمت خرید نهاده‌ها (در زمان خرید نهاده‌ها) و پایین بودن قیمت فروش محصولات و در کل مشکل فروش آنها (به دلیل عرضه زیاد در بازار منطقه‌ای و واردات و یا بالا بودن قیمت تمام شده محصول)، ضعف بازاریابی ازسوی تعاونی‌ها و عدم بازاریابی به‌موقع (قبل از تولیدات)، محدود بودن بازارها به مناطق تولید و عدم امکان صدور محصول به سایر استان‌ها و کشورها. کارشناسان معتقد بودند که با وجود تعریف کارآفرینی (ساخت همه چیز از هیچ چیز) اما باز هم اقدام به فعالیت‌های کارآفرینی در سازمان‌ها نیازمند ریسک مالی می‌باشد که متأسفانه تعاونی‌ها توانایی مالی آن را ندارند.

شرایط زمینه‌ای مربوط به عدم توسعه کارآفرینی سازمانی

عوامل زمینه‌ای به آن دسته از عواملی گفته می‌شود که بستریابی مادی و غیرمادی را برای بروز پدیده مورد نظر در جامعه مذکور فراهم می‌کنند و از طرفی بر استراتژی‌ها و کنش‌های جامعه نیز تأثیر می‌گذارند. بنابراین، بروز پدیده‌ای به نام "عدم توسعه کارآفرینی سازمانی" نه در خلا، بلکه در شرایط محیطی خود رخ می‌دهد. در این پژوهش، شرایط محیطی خود از ۳ مقوله فرعی تشکیل شده است: ۱. سازه‌های نابسنده و نامناسب آموزشی بسترساز، ۲. سازه‌های نامناسب روان‌شناختی بسترساز و ۳. سازه‌های نامناسب اجتماعی بسترساز.

۱. سازه‌های نامناسب و نابسنده آموزشی بسترساز

گروهی از کارشناسان مورد مطالعه اذعان داشتند یکی از مهم‌ترین مشکلات آموزشی در راستای توسعه کارآفرینی سازمانی "عدم برگزاری و وجود آموزش‌های کارآفرینانه" برای اعضای تعاونی‌ها و متعاقب آن نبود شرایط تقویت خلاقیت و نوآوری اعضاست.

همچنین کارشناسان بر این باورند که برخی آموزش‌ها "اثربخشی و کارایی" کافی ندارند و "غیرکاربردی" می‌باشند؛ چرا که این آموزش‌ها تطابقی با نیاز روز فراگیران ندارند و صرفاً جهت ارائه گزارش اداری می‌باشند.

مشکل آموزشی بعدی "عدم باور و اعتقاد اعضا به آموزش" می‌باشد؛ چرا که دانش خود را برتر از آموزش می‌دانند. این پدیده باعث عدم شرکت اعضا و یا شرکت نامنظم آنها در دوره‌های آموزشی شده است.

مشکل آموزشی بعدی "نبود مهارت فنی و آگاهی اعضا در زمینه فعالیت خود" در تعاونی و در نتیجه عدم توانایی جهت اقدام کارآفرینانه مرتبط با موضوع فعالیت است. از دیگر شرایط زمینه‌ای آموزشی "نبود خدمات مشاوره‌ای مناسب و منطبق بر فعالیت" در تعاونی می‌باشد.

۲. سازه‌های نامناسب روان‌شناختی بسترساز

سازه‌های نامناسب روان‌شناختی شامل "عدم علاقه و انگیزه اعضا جهت اقدامات کارآفرینانه"، "نبود روحیه کارآفرینی در اعضا"، "پایین بودن روحیه نوآوری و خلاقیت اعضا و مدیران"، "نبود انگیزه پیشرفت در اعضا" می‌باشند که بستر روان‌شناختی را برای بروز پدیده مذکور فراهم می‌کنند.

۳. سازه‌های نامناسب اجتماعی بسترساز

متأسفانه درک نادرست افراد از تعاونی و بی‌توجهی به اصول جهانی تعاونی سبب بروز سازه‌های نامناسب اجتماعی بسترساز در تعاونی‌ها شده است. یکی از مهم‌ترین سازه‌های نامناسب اجتماعی بسترساز، "پایین بودن سطح تحصیلات و سواد اعضا" می‌باشد که نتیجه این امر پایین بودن سطح آگاهی اعضا از حقوق خود و در نهایت مانعی جهت بهره‌مندی اعضای تعاونی از حقوق قانونی خود (اعم از صندوق‌های مختلف حامی و...) به منظور توسعه کارآفرینی سازمانی می‌باشد. "پایین بودن روحیه مشارکت و همکاری افراد" دیگر مقوله مربوطه می‌باشد. از طرفی، از

دیدگاه پاسخگویان، گاهی دیده می‌شود که برخی اعضای تعاونی‌ها بر سر برخی مسائل (عمدتاً مشکلات مالی) با یکدیگر تعامل مناسبی ندارند. دیگر مقوله مربوطه "خودرأی بودن مدیرعاملان تعاونی‌ها در اخذ تصمیمات مربوط به تعاونی" می‌باشد که موجب عدم پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری مدیران نسبت به اعضا شده است. یکی از معضلات اساسی تعاونی‌ها، "دگردیسی تعاونی‌ها به دلیل برون رفت از ماهیت و سرشت تعاونی" می‌باشد به طوری که برخی مدیران عامل تعاونی‌ها، اعضای خانواده خود را به عنوان اعضای تعاونی‌ها معرفی کرده اما در عمل تعاونی توسط یک نفر و با چندکارگر ساده اداره شده و هدف آنان تنها استفاده از مزایای تعاونی‌ها مانند وام کم بهره و... می‌باشد. مشکل دیگر "عدم احساس تعهد اعضا نسبت به ارتقای خدمات و تولیدات" می‌باشد. سرانجام "نبود شرایط تبادل افکار و مشارکت اعضا" به دلیل عدم برگزاری جلسات برابر قانون اداره تعاون (سالی ۱۲ بار به شکل صورتی گزارش می‌گردد) می‌باشد. این امر ممکن است ناشی از عدم باور افراد به مشارکت و عدم توانایی مهارت‌های کار گروهی و مشارکتی باشد.

شرایط مداخله‌گر

در حالی که عوامل زمینه‌ای بر موجبات هم‌بافت و بی‌واسطه در پدیده "عدم توسعه کارآفرینی سازمانی" دلالت می‌کنند، عوامل مداخله‌گر عاملیت‌ها و کنش‌های مؤثر و باواسطه در پدیده مذکور را تشکیل می‌دهند. این طبقه موضوعی خود از چند مقوله فرعی تشکیل شده که عبارت‌اند از: ۱. عاملیت‌های کلان ۲. عاملیت‌های خرد.

۱. عاملیت‌های کلان

منظور از عاملیت‌های کلان، عامل‌های خارج منطقه و فراگیر در سطح کلان جامعه می‌باشد. در مطالعه حاضر، این مقوله در کل شامل زیرمقوله‌های موانع قانونی-سیاستی و موانع ارتباطی-اطلاعاتی می‌باشد. در بخش مربوط به موانع قانونی-سیاستی از دیدگاه کارشناسان، می‌توان به "چارچوب غیرکارشناسانه برنامه‌ریزی در سطح کلان کشوری"، "انعطاف‌ناپذیری

قوانین ومقررات"، "فانون‌های نامناسب و بروکراسی وقت‌گیر و دست و پاگیر"، "حاکمیت یکنواختی روال کاری و اعمال استانداردهای کاری" بدون توجه به ماهیت و سرشت تعاونی اشاره کرد. در مبحث مربوط به موانع ارتباطی- اطلاعاتی نیز به مواردی همچون "عدم ارتباط اثربخش تعاونی‌ها با نهادهای اجرایی و پژوهشی و آموزشی" همچون مراکز تحقیقات، جهادکشاورزی، اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی، دانشگاه‌ها و... می‌توان اشاره نمود. بعضی دیگر از پاسخگویان معتقد بودند که "عدم ارتباط کارگزاران دولتی بخش تعاون با نهادهای مؤثر" همچون مراکز کارآفرینی، مراکز تحقیقاتی و دانشگاه‌ها به دلیل کمبود وقت و مأموریت زیاد و نبود سازوکارهای تعریف شده برای این چنین تعاملات می‌باشد که این امر خود می‌تواند موجب ناتوانی انتقال دانش و اطلاعات جدید و به‌روز به تعاونی‌ها از طریق کارشناسان گردد.

۲. عاملیت خرد

علاوه بر کنشگران و عاملیت‌های فرامنطقه‌ای مورد اشاره، عواملی دیگر در سطح خرد یا سطح تعاونی‌ها یا شبکه ذی‌نفعان، دست‌اندرکاران و اعضای تعاونی‌ها نیز به عنوان موانعی برای توسعه کارآفرینی سازمانی عمل می‌کنند. مواردی همچون "پایین بودن سطح اعتماد به نفس و خودباوری اعضا"، "پایین بودن سطح مهارت‌های مشارکتی در اعضا و مدیران"، "پایین بودن سطح آگاهی، دانش، تخصص و مهارت حرفه‌ای مدیران و اعضا در حیطه وظایف خود"، "پایین بودن سطح مهارت‌های ارتباطی مدیران جهت برقراری ارتباط بین اعضا"، "نبود یک سیستم مناسب ارزشیابی عملکرد" از عواملی بودند که توسط کارشناسان به عنوان عوامل بازدارنده توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌ها، در سطح عاملیت خرد بیان شدند. دیگر مقوله عاملیت خرد در سطح تعاونی‌ها از دیدگاه کارشناسان، مشکلات فرهنگی موجود در تعاونی‌ها بود. این مشکلات موارد زیر را در برمی‌گیرد: "نبود فرهنگ سازمانی مناسب جهت کارآفرینی در تعاونی"، "عدم تشکیل جلسات و حضور تمام اعضا در آن"، "وجود و ایجاد جو خوکامگی در تعاونی‌ها از سوی مدیران"، "ضعف حمایت سازمانی از کارآفرینی"، "نبود روحیه ریسک‌پذیری در تعاونی از سوی اعضا و مدیران"، "ضعف فرهنگ کارگروهی در فعالیت‌های کارآفرینانه".

پدیده

همان طور که می‌دانیم، هدف از انجام تئوری بنیانی (زمینه‌ای) تحلیل و بررسی در راستای مناسبت و درک پدیده می‌باشد. این روش تحقیقی کیفی مجموعه منظمی از رویه‌ها را برای توسعه یک نظریه بنیادین برخاسته از استقرا در مورد یک پدیده به کار می‌گیرد (Corbin and Strauss, 1990). هدف کلی این تئوری و متدولوژی، ساخت نظریه‌ها به منظور درک پدیده مورد مطالعه است. در واقع پدیده، محور اصلی و نتیجه‌ای است که به دنبال بررسی و تحلیل آن می‌باشیم. در این تحقیق منظور از پدیده، « توسعه‌نیافتگی کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌ها » می‌باشد.

راهبردها

گرچه عوامل علی و زمینه‌ای شرایط لازم را در پدیده " توسعه‌نیافتگی کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌ها " فراهم می‌آورند، اما شرط کافی محسوب نمی‌شوند. چه بسا در خلأ وجودی راهبردهای مناسب، عوامل علی و زمینه‌ای قادر به بروز پدیده مذکور نباشند. اینجاست که نقش راهبردها مشخص می‌شود. این راهبردها شامل موارد زیر است: ۱. بی‌توجهی به توسعه کارآفرینی سازمانی و عدم توسعه آن، ۲. انجام امور به صورت روتین و به دور از هر گونه خلاقیت و نوآوری سازمانی، ۳. عدم مدیریت صحیح در تعاونی و در نتیجه نبود ساختار سازمانی مناسب در تعاونی‌ها، ۴. عدم تفویض اختیارات مناسب و انتصاب سمت‌های مناسب بر حسب شایسته‌سالاری، ۵. عدم مشارکت اعضای هم‌عرض و عدم مشارکت و نبود دیدگاه مشترک در بین اعضای بالادستی و پایین‌دستی، ۶. بازاریابی نامناسب، ۷. کارآفرینی ناسازگار و تقلیدی نامناسب (وارد کردن نوآوری از جامعه‌ای دیگر بدون انجام مطالعات فرهنگی - اجتماعی).

برونداها و پیامدها

پیامدها عبارت‌اند از: "عدم توسعه و گسترش کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌ها"، "نبود خلاقیت و نوآوری در فرایند تولید و تولیدات و عدم توانایی رقابت با سایر رقبای پیشرو در امر

کارآفرینی در بازار"، "درآمد پایین"، "نبود خلاقیت و نوآوری"، "عدم انجام صحیح امور در تعاونی‌ها به دلیل عدم شایسته‌سالاری"، "عدم توانایی فروش به‌موقع و با قیمت مناسب محصولات". درجدول ۱ خلاصه‌ای از مقولات مرحله کدگذاری باز آمده است و در پی آن، مدل مفهومی نظریه بنیانی نشان داده شده است.

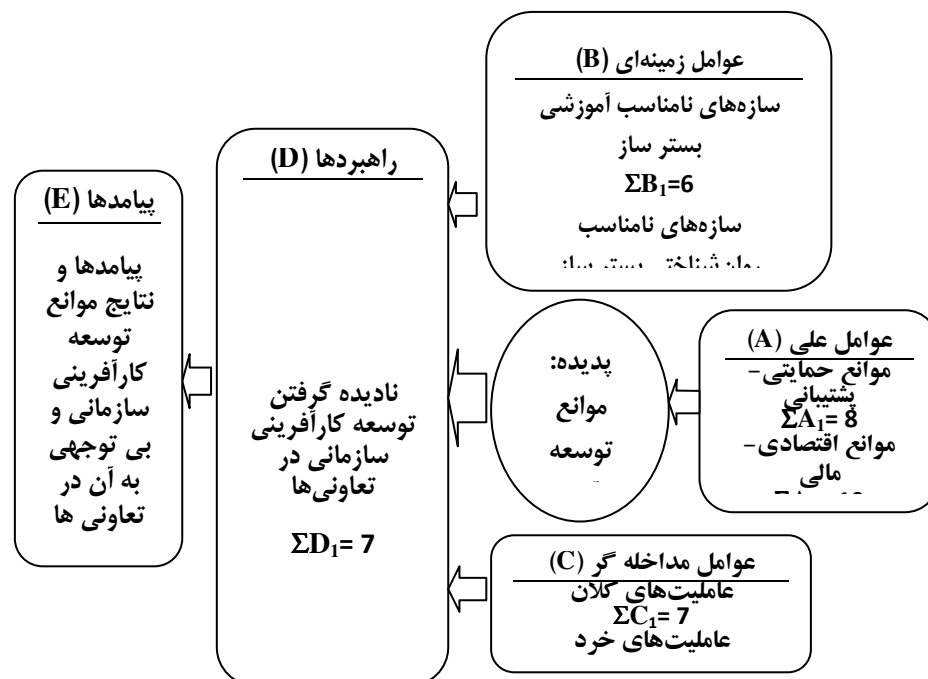
جدول ۱. خلاصه مقولات (مرحله کدگذاری باز)

| مقوله | دسته |
|---|--|
| عدم حمایت مدیرعامل از اقدامات کارآفرینانه نبود انگیزه عدم استقبال از ایده‌های جدید نبود سیستم پاداش دهی فرصت ندادن به افراد برای عملی کردن ایده‌ها برخورد ناصحیح در ارائه ایده عدم مشورت مدیر با اعضا در مورد مشکلات عدم حمایت مدیر از کارآفرینان شکست خورده | موانع حمایتی - پشتیبانی |
| دریافت وام و عقب افتادن اقساط قرض گرفتن از دیگران درآمد پایین نقدینگی پایین بی ثباتی بازار بالابودن اقساط وام‌ها بالابودن قیمت خرید نهاده‌ها پایین بودن قیمت فروش محصول ضعف بازاریابی از سوی تعاونی‌ها محدودیت بازار | موانع اقتصادی - مالی |
| نبود آموزش‌های کارآفرینانه کاربردی نبودن آموزش‌ها عدم تطابق آموزش‌ها با نیاز اعضا عدم باور اعضا به آموزش عدم مهارت افراد در زمینه کاری خود نبود خدمات مشاوره‌ای لازم در تعاونی‌ها | سازه‌های نامناسب و نابسند آموزشی بستر ساز |

ادامه جدول ۱

| | |
|---|------------------------------|
| عدم علاقه و انگیزه اعضا جهت اقدامات کارآفرینانه | سازه‌های نامناسب روان شناختی |
| نبود روحیه کارآفرینی در اعضا | بستر ساز |
| پایین بودن روحیه نوآوری و خلاقیت کارآفرینی اعضا | |
| نبود انگیزه پیشرفت در اعضا | |
| دگردیسی تعاونی‌ها | |
| درک نادرست افراد از تعاونی | |
| پایین بودن سطح تحصیلات اعضا | سازه‌های اجتماعی نامناسب |
| عدم آگاهی اعضا از حقوق خود | بستر ساز |
| پایین بودن روحیه مشارکت و همکاری | |
| خودرأی بودن مدیر عامل | |
| عدم احساس مسئولیت اعضا | |
| نبود شرایط تبادل افکار و مشارکت اعضا | |
| عدم احساس تعهد اعضا نسبت به ارتقای خدمات و تولیدات | |
| چارچوب غیرکارشناسانه برنامه‌ریزی | |
| انعطاف ناپذیری قوانین و مقررات | |
| قانون‌های نامناسب و بروکراسی وقت گیر | عاملیت‌های سطح کلان |
| یکنواختی انجام کارها | |
| عدم ارتباط تعاونی‌ها با مراکز تحقیقاتی، جهاد کشاورزی و ... | |
| به‌روز نبودن اطلاعات ناشی از عدم ارتباط کارگزاران تعاون با نهادهای ذی‌ربط | |
| پایین بودن سطح اعتماد به نفس و خودباوری اعضا | |
| پایین بودن مهارت‌های مشارکتی مدیران و اعضا | |
| پایین بودن مهارت‌های ارتباطی مدیران با اعضا | |
| پایین بودن سطح دانش و آگاهی مدیران و اعضا | عاملیت‌های خرد |
| نبود سیستم ارزشیابی مناسب | |
| نبود فرهنگ سازمانی در تعاونی‌ها | |
| عدم تشکیل جلسات (به‌موقع و کافی) | |
| عدم حضور تمام افراد در جلسات | |
| وجود و ایجاد جو خودکامگی در تعاونی‌ها از سوی مدیران | |
| ضعف حمایت سازمانی از کارآفرینی | |
| نبود روحیه ریسک پذیری در تعاونی‌ها | |
| ضعف فرهنگ کار گروهی در بین اعضا | |

| | |
|--|-------------------|
| <p>بی توجهی به توسعه کارآفرینی سازمانی و عدم توسعه آن انجام امور به صورت روتین و به دور از هر گونه خلاقیت و نوآوری سازمانی عدم مدیریت صحیح در تعاونی عدم تفویض اختیارات مناسب و انتصاب سمت‌های مناسب بر حسب شایسته سالاری عدم مشارکت اعضای هم‌عرض و عدم مشارکت و نبود دیدگاه مشترک در بین اعضای بالادستی و پایین دستی بازاریابی نامناسب کارآفرینی ناسازگار و تقلیدی نامناسب (وارد کردن نوآوری از جامعه‌های دیگر بدون انجام مطالعات فرهنگی-اجتماعی)</p> | راهبردها |
| <p>عدم توسعه و گسترش کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌ها نبود خلاقیت و نوآوری در فرایند تولید عدم توانایی رقابت با سایر رقبا نبود خلاقیت و نوآوری درآمد پایین عدم شایسته سالاری عدم توانایی فروش به‌موقع و با قیمت مناسب محصولات</p> | پیامدها و برونداد |



شکل ۲. مدل مفهومی پدیده موانع توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌ها

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

براساس نتایج استخراج شده از تئوری بنیانی، از دیدگاه مصاحبه شونده‌گان، عوامل اصلی پدیده موانع توسعه کارآفرینی سازمانی شامل عدم حمایت و پشتیبانی و موانع اقتصادی مالی در تعاونی‌ها می‌باشند و عوامل بسترساز پدیده مذکور، شامل سازه‌های نامناسب و ناکافی آموزشی و سازه‌های نامناسب روان‌شناختی و سازه‌های نامناسب اجتماعی هستند. از طرفی، عوامل مداخله‌گر در سطح کلان را قانونی-سیاستی و ارتباطی-اطلاعاتی و در سطح خرد را مدیریتی-مهارتی و فرهنگی-اجتماعی تشکیل دادند. واکنش جامعه نسبت به پدیده موانع توسعه کارآفرینی سازمانی (راهبردها) شامل موارد زیر بود: بی‌توجهی به توسعه کارآفرینی سازمانی و عدم توسعه آن، انجام امور به صورت روتین و به دور از هر گونه خلاقیت و نوآوری سازمانی، عدم مدیریت صحیح در تعاونی در نتیجه نبود ساختار سازمانی مناسب در تعاونی‌ها، عدم تفویض اختیارات مناسب و انتخاب سمت‌های مناسب بر حسب شایسته‌سالاری، عدم مشارکت در بین اعضای هم‌عرض و عدم مشارکت و نبود دیدگاه مشترک در بین اعضای بالادستی و پایین‌دستی، بازاریابی نامناسب، کارآفرینی تقلیدی نامناسب (وارد کردن نوآوری و فناوری از جامعه‌ای دیگر بدون انجام مطالعات فرهنگی-اجتماعی و سنجش تناسب آن با جامعه وارد کننده آن). همچنین عدم توسعه و گسترش کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌ها، نبود خلاقیت و نوآوری در فرایند تولید و عدم توانایی رقابت با سایر رقبای پیشرو در امر کارآفرینی در بازار، درآمد پایین، عدم انجام صحیح امور در تعاونی‌ها به دلیل عدم شایسته‌سالاری، عدم توانایی فروش به موقع و با قیمت مناسب محصولات و در نهایت عدم توانایی مادی و معنوی در تعاونی جهت اقدام به فعالیت‌های کارآفرینانه در بین اعضا و به وجود آمدن این دور باطل در تعاونی‌ها، پیامدها و برون‌دادهای این فرایند بوده‌اند. تمامی عوامل فوق به ترتیب اولویت در بروز پدیده موانع توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌ها نقش دارند و سبب بروز مشکلات اساسی در تعاونی‌ها می‌شوند. نتایج این بخش با نتایج حاصل از تحقیقات رضایی (۱۳۹۳)، رضایی و حسینی (۱۳۹۲) همسو هست.

بدون شک، می توان گفت که یکی از مهم ترین ملزومات توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی ها توجه به موانع توسعه کارآفرینی می باشد که باید مورد شناسایی، تعدیل و کنترل و یا حتی حذف قرار گیرند و هر گونه کوتاهی در این زمینه فرایند توسعه کارآفرینی را به تأخیر می اندازد. از طرفی، توسعه کارآفرینی نیازمند شناسایی ساختارهای مناسب و راهکارهای مؤثری است که بتوانند شرایط لازم برای تحقق کارآفرینی در سطح کل آحاد جامعه را فراهم آورند. در این میان، توسعه فعالیت های کارآفرینانه، حذف و کنترل و تعدیل موانع، و زمینه سازی و تقویت و ارتقای توسعه کارآفرینی سازمانی در تعاونی ها راه حل های مناسبی در راستای توسعه فعالیت های کارآفرینی سازمانی و تحقق عدالت اجتماعی محسوب می شوند.

بر اساس نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر، اقدامات و حمایت هایی به شرح زیر را می توان در رفع موانع و تسریع فرایند توسعه کارآفرینی سازمانی به کار بست.

۱. حمایت های اقتصادی - مالی: تعاونی ها از سوی دولت به طرق مختلف از جمله اعطای تسهیلات جهت انجام امور زیر مورد حمایت قرار می گیرند: ارتقای کیفیت تولیدات، افزایش بهره وری، ایجاد واحد در مناطق محروم، رفع نیازهای نقدینگی، خرید مواد اولیه و تسهیلات مالی جهت صادرات تولیدات. در این زمینه حمایت بانک ها و سایر مؤسسات مربوطه و کاهش بهره های بانکی مؤثرند.

۲. حمایت های قانونی - سیاسی: حمایت از بهبود فضای کسب و کار و اصلاح قوانین و مقررات مرتبط، حمایت از توسعه فناوری، اعطای معافیت های مالیاتی برای شرکت های تازه تأسیس، ایجاد ثبات در سیاست های دولت، ایجاد امنیت جهت سرمایه گذاری و توسعه اقتصادی، بازنگری در نظام اداری و رفع بی ثباتی سیستم اداری متناسب با شرایط و سرشت تعاونی ها، تصویب سیاست های دولت در جهت حمایت از توسعه کارآفرینی، سهولت و تعدیل مقررات دست و پاگیر اخذ وام، رفع موانع قانونی صادرات و واردات.

۳. حمایت های آموزشی: آموزش های سطوح مدیریت، آموزش های مرتبط با استاندارد کردن محصولات و خدمات، آموزش های مربوط به کنترل کیفی محصولات، آموزش های اصول اداره

شرکت، آموزش‌های بازاریابی و صادرات، آموزش‌های روش‌های تأمین سرمایه و آموزش مقررات تجاری و مالی، توجه به آموزش اعضا و پویایی دوره‌ها، آموزش مهارت‌های کارآفرینانه به اعضا، وجود برنامه‌های خدمات ترویجی، وجود برنامه‌های مشاوره‌ای.

۴. توسعه حرفه‌ای نیروی انسانی: ارتقای سطح مهارت‌های مدیریتی مدیران، ارتقای سطح مهارت‌های عمومی کسب‌وکار و نیز مهارت‌های ارتباطی در مدیران و اعضا، ایجاد یک سیستم ارزیابی عملکرد مناسب در تعاونی و ارتقای سطح دانش، تخصص و مهارت حرفه‌ای مدیران و اعضای تعاونی‌ها.

۵. تقویت و زمینه‌سازی فرهنگی: ارتقا و زمینه‌سازی فرهنگ کار گروهی، ارتقا و زمینه‌سازی فرهنگ سازمانی مناسب جهت کارآفرینی، ارتقا و زمینه‌سازی دیدگاه مشترک بین اعضا و مدیران، ایجاد تعهد و احساس مسئولیت‌پذیری در اعضا نسبت به ارتقای خدمات و تولیدات، تشویق افراد به خطرپذیری و نوآوری از سوی تعاونی.

۶. شکوفایی و بهبود قابلیت‌های روان‌شناختی: تقویت و ایجاد انگیزه و علاقه به کارآفرینی، کار گروهی، روحیه کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری در بین اعضا؛ تقویت انگیزه موفقیت و احساس خودباوری و اعتماد به نفس در بین اعضا.

۷. حمایت‌های اطلاعاتی - ارتباطی: این نوع حمایت با توجه به اهمیت روزافزون فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و تأثیر آن در بخش‌های مختلف جامعه و نیز اثر مثبت آن در اشاعه کارآفرینی، در اولویت بالایی قرار دارد. دیگر حمایت‌ها عبارت‌اند از: ارائه خدمات مشاوره مدیریت، ارائه خدمات مشاوره مالی، ارائه خدمات مشاوره تجاری، ارائه خدمات مشاوره بازاریابی و ارائه خدمات مشاوره حقوقی، خدمات اطلاع‌رسانی تجاری، خدمات اطلاع‌رسانی مدیریت، خدمات اطلاع‌رسانی فنی و معرفی فناوری‌های جدید به شرکت‌های تعاونی، افزایش تعامل با مراکز تحقیقاتی و دفاتر کارآفرینی و دانشگاه‌ها، افزایش تعامل با مراکز ترویجی و سایر مؤسسات پژوهشی و تخصصی.

منابع

- بیرانوند. ج. (۱۳۹۱). بررسی نقش رسانه‌ها در توسعه خدمات تعاونی‌های تولیدی. پایان نامه کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام.
- پورآتشی، م. (۱۳۸۷). شناخت شناسی تعاون و کارآفرینی، مجله تعاون، شماره ۲۰۲-۲۰۱، ۵-۱۵.
- حق شناس، ا.، جمشیدیان، م.، شائمی، ع.، شاهین، آ. و یزدان شناس، م. (۱۳۸۶). الگوی کارآفرینی سازمانی در بخش دولتی ایران. فصلنامه علوم مدیریت ایران، ۲(۸)، ۳۱-۷۳.
- رستمی، ف.، علی‌آبادی، و. و عبدالحمید، پ. (۱۳۹۳). مدل‌سازی پایداری در نظام‌های بهره‌برداری زراعی-خانوادگی مبتنی بر کشت مخلوط براساس تئوری بنیانی (مورد مطالعه: بخش فیروزان). مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۴۵(۲)، ۳۷۳-۳۸۲.
- رضایی، ر. و حسینی، س.م. (۱۳۹۲). طراحی مدل معادلات ساختاری توسعه‌ی کارآفرینی سازمانی در تعاونی‌های توسعه روستایی استان زنجان. فصلنامه توسعه کارآفرینی، ۶(۴)، ۵۷-۷۴.
- رضایی، ر. (۱۳۹۳). بررسی نقش و جایگاه کارآفرینی در توسعه تعاونی‌های روستایی، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، ۱(۱)، ۸۵-۱۰۲.
- طالب‌پور، م.، معرفتی، ا. و غلامیان، ج. (۱۳۸۸). ارائه مدل رگرسیونی جو سازمانی و کارآفرینی سازمانی دانشکده‌های تربیت بدنی ایران. پژوهش در علوم ورزشی، ۱(۲۲)، ۹۷-۱۱۶.
- کاظمی، م.ر.، قاسمی، ح. و رستم‌بخش، م.ر. (۱۳۹۰). شناسایی و تحلیل موانع رفتاری کارآفرینی سازمانی در سازمان تربیت بدنی (وزارت ورزش). مجله پژوهش‌های مدیریت ورزشی و علوم حرکتی، ۱(۲)، ۸۹-۱۰۰.
- لطیفیان، ا. (۱۳۸۶). سنجش اثربخشی و کارایی شرکت‌های تعاونی استان خراسان رضوی به روش تحلیل پوششی داده‌ها. مجله تعاون، ۱۹۲، ۳۷-۴۴.

Cohen, L., Manion, L., & Morrison, K. (2004). *Research Methods In Education*.

fight edition. London: Routledge Publications.

- Corbin, J., & Strauss, A. (1990). Grounded theory research: Procedures, canons, and evaluative criteria. *Qualitative Sociology*, 13(1), 4-21
- Covin, J. O., & Miles, M. P. (1999). corporate entrepreneurship and the pursuit of competitive advantage. *Entrepreneurship Theory & Practice*, 23(3), 47-63.
- Covin, J.G. & Slevin, D.P. (2002). *The entrepreneurial imperatives of strategic leadership*. In M.A. Hitt, R.D. Ireland, S.M. Camp, & Sexton, D.L. (Eds.). *Strategic entrepreneurship: Creating a new mindset*, Oxford. UK: Blackwell Publishers.
- Habbershon, T. G., & Pistrui, J. (2002). enterprising family's domain: Family-influenced ownership groups in pursuit of transgenerational wealth. *Family Business Review*, 15(3), 223-237.
- Hornsby, J. S., Kuratko, D. F. & Zahra, S. A. (2002). Middle managers' perception of the internal environment for corporate entrepreneurship: Assessing a measurement scale. *Journal of Business Venturing*, 17, 49-63.
- Hornsby, J. S., Kuratko, D. F., & Montagno, R. V. (1999), Perception of internal factors for corporate entrepreneurship: A comparison of Canadian and U.S. managers. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 24(2), 9-24.
- Johnson, D., Justin, B.L., & Hildebrand, R. (2006). Entrepreneurship education: towards a discipline-based framework. *Journal of Management Development*, 25(1), 91-479.

- Kellermans, F.W., Eddleston, K.A., Barnett, T., & Pearson, A. (2008). an exploratory study of family member characteristics and involvement: Effects on entrepreneurial behavior in family firms. *Family Business Review*, 21(1), 1–14.
- Kelley, D., Singer, S. & Herrington, M. (2012). *The global entrepreneurship monitor: 2011 global report*. Global Entrepreneurship Research Association (GERA). United States.
- Kuratko, D. F., Ireland, R. D., & Hornsby, J. S. (2001). The power of entrepreneurial outcomes: Insights from Acordia, Inc. *Academy of Management Executive*, 15(4), 60–71.
- Kuratko, D. F., Ireland, R. D., Covin, J. G., & Hornsby, J. S. (2005). A model of middle-level manager's entrepreneurial behavior. *Entrepreneurship Theory & Practice*, 29(6), 699–716.
- Moghimi, M. (2007). Corporate entrepreneurship: Obstacles and alternatives (The Case of Industrial Corporations in Iran). *Journal of Entrepreneurship Research*, 1 (2), 87- 119.
- Morris, M. H., Kuratko, D. F., & Covin, J. C. (2011). *Corporate Entrepreneurship and Innovation*, South-Western: Thomson Publishers.
- Rauch, A., Wiklund, J., Lumpkin, G.T., & Frese, M. (2009). Entrepreneurial orientation and business performance: An assessment of past research and suggestions for the future. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 33(3),761–87.

Zahra, S. A., Hayton, J. C., & Salvato, C. (2004). Entrepreneurship in family vs. Non-family firms: A resource based analysis of the effect of organizational culture. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 28(4), 363-381.

Zahra, S.A. (2005), Entrepreneurial risk taking in family firms. *Family Business Review*, 18(1), 23-40.

Analyzing Obstacles Hampering Organizational Entrepreneurship Development in Agricultural Cooperatives by the use of Grounded Theory Approach

*E. Khosravi*¹, *S. Gholamrezai*^{2*}, *M. Rahimiyan*³, *M. Akbari*⁴

Received: 18/04/2016 Accepted: 18/09/2016

Abstract

The main objective of this research was to analyze the obstacles hampering organizational entrepreneurship development in agricultural cooperatives in Kermanshah province. This qualitative research conducted by the use of Grounded Theory (GT). Purposeful sampling was used to select samples consisted of key active informant experts in relevant organization (n=17). Respondents indicated that the major obstacles hampering the development of OE included lack of support from cooperative board of directors and CEOs lack of desire for entrepreneurial activities, the lack of economical-financial support, lack of budget and individual income) and lack of knowledge and education. Based on conclusions, there is a significant need for providing general financial facilities to boost exports, support by the banks and other financial institutions, reduction of bank interests, granting tax exemptions for newly established cooperatives and entrepreneurial educational institutions were recommended.

Keywords: Agricultural Cooperative, Organizational Entrepreneurship, Obstacles, Grounded Theory

1. Former Master Student, Department of Rural Development, Lorestan University, Lorestan, Iran

2. Assistant Professor, Department of Agricultural Economics, Lorestan University, Lorestan, Iran

* Corresponding Author

E-mail:sgholamrezai1970@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Agricultural Economics, Lorestan University, Lorestan, Iran

4. Assistant Professor, Department of New Venture/Business Creation, University of Tehran, Tehran, Iran